

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان / سال چهارم، شماره شانزدهم، زمستان ۱۳۹۵ / صفحات ۸۹-۶۹

## اثر آزادسازی مالی بر عملکرد بانک‌های تجاری ایران

اکبر دهقانی<sup>۱</sup>، علی حقیقت<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۶

### چکیده

مهمترین نهادهای بازار مالی در هر کشوری بانک‌ها هستند وجود بازار مالی رقابتی در اقتصاد هر کشوری، تخصیص بهینه منابع مالی را در پی داشته و موجب شکوفایی، رشد و توسعه مناسب اقتصادی آن خواهد شد. این پژوهش به بررسی اثر آزادسازی مالی بر عملکرد بانک‌های تجاری در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی از ۱۳۸۰:۱ تا ۱۳۹۳:۴ به صورت فصلی پرداخته است. برای برآورد تجربی، این مطالعه از روش هم‌جمعی یوهانسون- جوسیلیوس و الگوی تصحیح خطای برداری استفاده شده است. نتایج به دست آمده از روش هم‌جمعی یوهانسون نشان می‌دهد که در بلندمدت متغیرهای میزان وام پرداختی بانک، حجم نقدینگی، رشد اقتصادی، آزادسازی مالی و آزادسازی تجاری تأثیر مثبت بر عملکرد بانک‌های تجاری و متغیرهای نسبت مطالبات به کل وام‌ها، اندازه بانک و نرخ تورم تأثیر منفی بر عملکرد بانک‌های تجاری دارند. همچنین ضریب تصحیح خطا نشان می‌دهد که در هر دوره ۰/۲۸ درصد از عدم تعادل عملکرد بانک‌های تجاری، تعدیل شده و به سمت روند بلندمدت خود حرکت می‌کند.

طبقه بندی JEL: G21.

واژگان کلیدی: بانک‌های تجاری، آزادسازی مالی، آزادسازی تجاری، هم‌جمعی یوهانسون.

۱. گروه اقتصاد، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی ایران، شیراز، ایران

Email: Akbardehghani6@gmail.com

۲. گروه اقتصاد، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی ایران، شیراز، ایران

Email: alihaghighat91@yahoo.com

صحت مطالب مقاله بر عهده نویسنده است و مقاله بیانگر دیدگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام نیست\*

## مقدمه

بانک‌ها به‌عنوان یکی از نهادهای بازارهای مالی نقش مهمی را در اقتصاد بر عهده دارند که شامل جمع‌آوری پس‌اندازها و منابع مالی، واسطه‌گری، تسهیل پرداخت‌ها، تخصیص اعتبارها و تأمین منابع مالی برای متقاضیان و در مجموع برقراری نظم مالی است. حتی در اقتصادهایی که بازارهای مالی پیشرفته‌ای دارند، بانک‌ها در کانون فعالیت‌های مالی و اقتصادی قرار دارند و نقطه اتکایی برای اهرم سیاست‌های پولی به حساب می‌آیند. در کشورهای درحال توسعه و اقتصادهای در حال انتقال، که بازارهای مالی آن کمتر توسعه یافته‌اند، بانک‌ها عمدتاً تنها نهادهایی هستند که قادرند اطلاعات لازم برای اعمال واسطه‌گری مالی را فراهم کنند. از این‌رو ضعف نظام بانکی می‌تواند تهدیدی جدی برای ثبات اقتصادی این کشورها باشد (ختایی و عابدی‌فر، ۱۳۷۹). در طی چند سال اخیر رقابت در بین بانک‌ها افزایش زیادی داشته است که این ناشی از عوامل مختلفی از جمله خصوصی‌سازی و وارد شدن بخش خصوصی به بخش بانکی بوده است. بانک‌ها از طریق ارائه خدمات به مشتریان کسب درآمد می‌نمایند که این از طریق جذب سپرده‌های مردم با پرداخت نرخ بهره و اعطای تسهیلات با نرخ بهره بالاتر و نتیجه اختلاف دو نرخ، عایدی نصیب بانک می‌شود که به آن حاشیه سود و بهره گفته می‌شود، صورت می‌گیرد. بنابراین هرچه بانک بتواند از مقیاس‌های اقتصادی استفاده کند سود حاصل از این عمل بیشتر خواهد بود. اما سودآوری بانک‌ها هم تحت تأثیر عوامل داخلی و هم تحت تأثیر عوامل خارجی بانک قرار می‌گیرد. عوامل داخلی بانک را می‌توان عواملی که تحت تأثیر تصمیمات مدیریتی بانک است، تعریف کرد. انگیزه‌های بالای مدیریتی در انجام بهینه کارها در سودآوری بانک مؤثر است که می‌تواند به وسیله بررسی ترازنامه و حساب‌های صورت سود و زیان مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد (باقری، ۱۳۸۵). از طرف دیگر عوامل خارجی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ اول عواملی که بستگی به شرایط بانک (مانند مالکیت و مقیاس) دارند و دسته دیگر عواملی هستند که به شرایط اقتصادی حاکم بر کشور (مانند تورم، عرضه پول، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی) مرتبط می‌شود. لذا توجه به شاخص سودآوری به‌عنوان یکی از شاخص‌های ارزیابی عملکرد در بانک‌ها و اهمیت نقش آن در تصمیمات مرتبط با نحوه تجهیز منابع، تأمین مالی و همچنین چگونگی تخصیص منابع، ضروری است.

بانک‌های تجاری با قبول انواع سپرده و اعطاء اعتبار نقش اساسی در فعالیت‌های اقتصادی هر کشور ایفا می‌کنند. بانک‌های تجاری به خصوص وظیفه دارند سرمایه جاری موسسات تولیدی و بازرگانی را تأمین نمایند. این نوع بانک‌ها معمولاً به انجام دادن عملیات معمولی بانکی از قبیل قبول سپرده، نقل و انتقال پول در داخل، انجام معاملات ارزی، صدور ضمانت‌نامه، اعطای تسهیلات، افتتاح اعتبار در حساب جاری، تنزیل اسناد و اوراق تجاری و خدمات متنوع دیگر می‌پردازند. میزان دارایی‌های بانک‌های تجاری ایران ۵۲۶،۳۵۸ میلیارد ریال در سال است و تا سال ۱۳۸۷ روندی افزایشی و در سال ۱۳۸۸ کاهش و بعد از آن افزایش تا سال ۱۳۹۳ که به ۲،۴۴۷،۸۲۴ میلیارد ریال می‌رسد.



یکی از پدیده‌هایی که امروز در حال شکل‌گیری است و در کلیه عرصه‌های زندگی مدرن در جریان است، پدیده‌ای است که از آن تحت عنوان جهانی‌شدن<sup>۱</sup> یاد می‌شود. جهانی‌شدن را باید مهم‌ترین پدیده فراگیر دانست که کلیه عرصه‌ها، از جمله اقتصاد، یعنی بارزترین نمود جهانی‌شدن، را درنوردیده است. اقتصادهایی که زمانی با توجه به بالا بودن هزینه‌های تجاری و ارتباطات کاملاً از یکدیگر مجزا بودند، اکنون درهم تنیده و به هم وابسته شده‌اند. جهانی‌شدن در عرصه‌های مختلفی روی داده است. شواهد، حاکی از این واقعیت است که این پدیده بیشتر جنبه اقتصادی دارد؛ به گونه‌ای که یکی از برجسته‌ترین تحولات سال‌های اخیر، همگرایی و ادغام اقتصادهای ملی در اقتصاد جهانی است. برخی جهانی‌شدن را به معنی رشد تجارت و آزادسازی مالی تعریف می‌کنند. برخی دیگر جهانی‌شدن را یک پدیده محسوب می‌کنند و می‌گویند جهانی‌شدن، نتیجه‌ی گسترش فرهنگ اروپایی از طریق مهاجرت، استعمار و تقلید فرهنگی به سراسر مناطق جهان است. لذا هر نظام اجتماعی باید برای ثبات و پایداری خود وضعیت خود را در برابر دنیای غرب سرمایه‌داری سامان دهد. صندوق بین‌المللی پول، جهانی‌شدن را ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، جهانی‌شدن را در رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر فناوری می‌داند (دادگر و نظری، ۱۳۸۷).

جهانی‌شدن مالی، روند ادغام بازارهای مالی در اقتصاد جهانی شده است. موضوع جهانی‌شدن مالی، بازار مبادله دارایی‌ها و بدهی‌ها است. جهانی‌شدن بازارهای مالی بسیار آسان‌تر از جهانی‌شدن بازار کالاها و بازار نیروی کار است و به همین لحاظ جهانی‌شدن مالی به سرعت پیشرفت کرده است. در مبادلات مالی تنها اسناد کاغذی مبادله می‌شود یا علائم الکترونیکی وارد رایانه می‌گردد. توسعه فناوری اطلاعات این مبادلات را آسان، سریع و ارزان کرده است. از سوی دیگر دارایی‌های مالی از هیچ‌گونه مرز فیزیکی نباید عبور کنند. تنها موانع موجود برای مبادلات مالی، مقررات ملی هستند. با توجه به این که جهانی‌شدن می‌تواند بازارهای مالی و به خصوص بانک‌های تجاری را نیز تحت تأثیر قرار دهد.

مطالعات مختلفی نشان داده است یکی از اثرات مهم آزادسازی بهبود کارایی بازار سرمایه و تخصیص بهینه منابع و سرمایه‌ها بوده است. آزادسازی بازارهای مالی مقوله‌ای است که بسیاری از کشورها در این زمینه اقدام کرده‌اند. شدت و طول دوره آزادسازی در کشورهای مختلف باهم متفاوت است و بسته به شرایط اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی پروسه آزادسازی به شکل‌های گوناگون صورت می‌گیرد. حوادث سال ۱۹۹۷ بحران‌های مالی در جنوب شرق آسیا و حوادث مشابه در آمریکای لاتین و روسیه نشان داد که آزادسازی می‌تواند مانند شمشیر دو لبه عمل کند و اگر این امر با قوانین و مقررات احتیاطی همراه نباشد ممکن است موجب بحران‌های شدید مالی شود. که این امر اهمیت آثار آزادی تجاری و مالی را بر بخش مالی هر کشور زیادت‌تر



می‌کند. از آنجایی که بانک‌ها در ایران مهم‌ترین بخش نظام مالی ایران را تشکیل می‌دهند، و از طرف دیگر سیاست‌های دولت در جهت آزادی تجاری و مالی پیش می‌رود، بررسی آثار آزادی تجاری و مالی بر بخش بانکی و مخصوصاً بر سودآوری بانک‌ها اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ که در مطالعات اخیر و حتی مطالعات قبلی در ایران بررسی آثار آزادسازی تجاری و مالی بر سودآوری بانک‌ها مورد توجه محققان قرار نگرفته است. این پژوهش مطابق با سیاست کلی برنامه ششم توسعه در بخش امور اقتصادی است.

### ۱. تئوری آزادسازی بازار مالی

ریشه‌های تئوری آزادسازی فرموله شده بازارهای مالی به کار مک کینون و شاو برمی‌گردد. آن‌ها سعی کرده‌اند که دلیلی برای این که چرا کشورهای کمتر توسعه‌یافته در رشد اقتصاد خود یک وقفه‌ای دارند و به نظر می‌رسد که نتوانند به توسعه اقتصادی برسند، بیابند. آن‌ها دلیل اصلی این امر را دخالت دولت در بازارهای مالی داخلی می‌دانستند. دلایلی مثل ثابت نگه‌داشتن سقف نرخ‌های بهره و تخصیص اعتبارات به بخش‌های خاص را به عنوان سرکوب مالی در این کشورها عنوان کرده‌اند. این سرکوب مالی موجب کاهش کمیت و کیفیت در سرمایه‌گذاری که احتمالاً عامل ناکارایی و رکود اقتصادی کشورهای کمتر توسعه‌یافته است، می‌شود. در بیشتر اقتصادهای با سرکوب مالی روی نرخ‌های وام‌ها سقف وجود دارد و رقابت کمی بین بانک‌ها وجود دارد برای اینکه بانک‌ها سقف نرخ وام‌ها را رعایت کنند، جیره‌بندی غیر قیمتی سرمایه‌های قابل وام‌دهی باید انجام گیرد. اعتبارات بر اساس بازده نهایی پروژه‌های سرمایه‌گذاری تخصیص داده نمی‌شود. اهمیت وثیقه، فشارهای سیاسی، نام، اندازه، وام و سودهای پنهانی برای وام‌دهندگان ممکن است این تخصیص‌ها را تحت تأثیر قرار دهند. بنابراین مک کینون و شاو پیشنهاد می‌کنند که برای تخصیص بهینه منابع دولت‌ها به سمت آزادسازی بازارهای مالی (برداشتن سقف نرخ بهره و تسهیلات تکلیفی بانک‌ها) پیش بروند. البته امروزه تعریف بازارهای مالی و آزادسازی آن بسیار گسترده‌تر از آن چیزی است که مدنظر مک کینون و شاو بوده است (خادمی و زمانلو، ۱۳۹۴).

آزادسازی بازار مالی می‌تواند با توسعه سیستم مالی همراه باشد. اقتصاددانانی که معتقدند بازارهای مالی بین‌المللی کارا تر و توسعه‌یافته‌تر نسبت به بازارهای بسته داخلی هستند، عنوان می‌کنند که آزادسازی مالی منجر به توسعه بازارهای مالی و از این طریق کانالی برای رشد اقتصادی است. از طرف دیگر بعضی از اقتصاددانان معتقدند که به دلیل وجود نامتقارنی اطلاعات (بین بازار مالی داخلی و خارجی) آزادسازی بازارهای مالی می‌تواند پرهزینه باشد. بنابراین بعضی اقتصاددانان به کشورها توصیه می‌کنند که بسیار با احتیاط به مقررات زدایی بازارهای مالی خود اقدام کنند.

موافقان آزادسازی چندین دلیل برای نظرات خود ذکر می‌کنند که مهمترین آنها عبارتند از:

هزینه‌های بالای کنترل سرمایه و کارا ماندن این سرمایه‌ها.



- تجربه نشان داده است که بسیاری از سیستم‌های مالی اداره شده توسط دولت و بدون اتکا به بازار باز منجر به شکست شده‌اند.
- سرمایه‌های خارجی به دولت‌ها برای تامین سرمایه داخلی، بازسازی شرکت‌ها و مدیریت بحران‌های مالی کمک کرده است.
- آزادسازی باعث منفعت از طریق کارآیی بیشتر و تقویت سیستم‌های مالی داخلی و افزایش عمق بازار برای رشد و ثبات اقتصاد می‌شود.
- از طرفی حضور خارجیان در بازارهای نوپا باعث بهبود حاکمیت شرکتی و شفافیت بازار مالی آنها می‌شود و آزاد سازی ممکن است باعث کاهش اختلاف هزینه تأمین مالی داخلی و خارجی شرکت‌ها شده و باعث افزایش سرمایه گذاری شود. (لویس ولویزا ویک (۱۹۹۸)، بکارت و هاروی و لاندبلاد (۲۰۰۱))
- از طرفی دیگر، مخالفان آزادسازی با ذکر مثال‌هایی از بحران‌های مالی (بحران مالی ۱۹۸۲ در آرژانتین، بحران جنوب شرق آسیا در سال ۱۹۹۷ و بحران مالی دهه ۱۹۹۰ در مکزیک) با این امر مخالفت می‌کنند و یا حداقل توصیه می‌کنند که کشورها با احتیاط کامل و به صورت تدریجی اقدام به آزاد سازی بازارهای مالی بکنند.

## ۲. باز بودن مالی، تجاری و توسعه مالی

رابطه باز بودن مالی و تجاری و توسعه مالی موضوعی بحث انگیز است. برخی اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی مانند، گرین اوی، بالتاجی (۲۰۰۷) معتقدند باز بودن اقتصادی (مالی و تجاری) به عملکرد کلان اقتصادی بهتر و توسعه مالی و اقتصادی سریعتر می‌انجامد. مطالعات تجربی فراوان از این دیدگاه حمایت می‌کنند. نهادهای بین المللی همانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اقتصادی به کشورهای عضو این باور را توصیه می‌کنند که آزاد سازی تجارت و سرمایه‌گذاری خارجی بر توسعه مالی تأثیر مثبت دارد. حتی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول اصلاحات با جهت گیری بازار و آزاد سازی تجارت را شرط کمک‌های مالی خود قرار داده‌اند. پیوند مثبت بین باز بودن اقتصادی (مالی و تجاری) و توسعه مالی انگیزه مناسبی برای اصلاحات تجاری طی بیست سال گذشته به وجود آورده است، به طوری که ۱۰۰ کشور جهان به نوعی به آزاد سازی تجاری متعهد شده‌اند (گرین اوی و همکاران ۲۰۰۲).<sup>۱</sup>

مسئله دیگری که بین باز بودن مالی و تجاری و توسعه مالی وجود دارد، این است که توسعه با سمت گیری خارجی، نه تنها سطح درآمد را ارتقاء می‌دهد بلکه می‌تواند سطح و میزان پس اندازها را نیز افزایش دهد. این امر به نوبه خود نرخ سریعتر انباشت سرمایه و در نتیجه رشد سریعتر را امکان پذیر می‌نماید. اقتصاد باز همچنین حرکات و جابه جایی عوامل تولید (یعنی سرمایه و کار) نیز مؤثر است.



سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، وام‌های تجاری توسط بانک‌های خارجی و کمک‌های خارجی همگی دارای نقش تعیین‌کننده‌ای هستند. انتقال بین‌المللی سرمایه، انتقال دانش، فناوری و مهارت مدیریتی به کشورهای جهان سوم نیز به عنوان افزایش بهره‌وری تلقی می‌شود، زیرا از این طریق می‌توان به افزایش سطح تولید و رشد سریعتر درآمدها و در نهایت به توسعه مالی بیشتر دست یافت. همچنین علت استفاده و مطرح کردن درجه باز بودن مالی و تجاری این است که هر چه اقتصاد کشور در ارتباط با سایر کشورها پویاتر عمل نماید ضمن افزایش مبادلات اقتصادی، از کسب فناوری و خلاقیت سایر کشورها بهره‌مند گردیده و با افزایش بازدهی موجبات افزایش انگیزه و عامل تحریک برای سرمایه‌گذاری را فراهم می‌نماید که باعث توسعه مالی می‌شود (بالتاجی، ۲۰۰۷).

### ۳. پیشینه مطالعات تجربی

در این بخش پیشینه مطالعات تجربی انجام‌شده در خصوص اثر آزادسازی مالی بر عملکرد بانک‌های تجاری ایران در داخل و خارج از کشور بررسی می‌شود.

راستی (۱۳۸۷)، به بررسی اثر آزادسازی مالی بر توسعه بخش بانکی کشورهای ملحق شده به سازمان تجارت جهانی در دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۸۵ پرداخته است. بر اساس الگوهای اقتصادسنجی پانل و با استفاده از روش تخمین زن گشتاور تعمیم‌یافته برآورد کرد. نتایج این مطالعه نشان داد که آزادسازی تجاری و توسعه تجارت خدمات مالی اثر منفی و معنی‌داری بر توسعه بانکی کشورهای مورد مطالعه داشته است.

خسروان (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده عملکرد سیستم بانکی در ایران در فضای جهانی شدن (مطالعه موردی بانک‌های تخصصی)»، به بررسی اثر جهانی شدن بر سود بانک‌های ایران پرداخت. در این تحقیق برای بررسی تأثیر جهانی شدن بر درآمد و سودآوری (عملکرد) بانک‌های تخصصی کشور و همچنین فضای رقابتی آن‌ها از الگوی پانزار-رز که در سال ۱۹۷۲ و ۱۹۷۸ ارائه شد استفاده شده است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که در طول دوره بررسی، اولاً فضای فعالیت بانک‌های تخصصی فضای رقابت سازش‌کارانه بوده، ثانیاً جهانی شدن باعث افزایش درآمد و سودآوری بانک‌های تخصصی شده است. لازم به ذکر است که متغیر مجازی اتصال به شبکه بین‌المللی در هیچ یک از تخمین‌ها معنی‌دار نشد، در نتیجه می‌توان گفت اتصال شبکه شتاب به شبکه بین‌المللی تأثیری بر درآمد و سودآوری بانک‌های تخصصی ندارد.

شریفی رنانی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی نقش مؤلفه‌های آزادسازی مالی بر بازارهای مالی و بخش بانکی کشورهای منا پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که آزادسازی مالی اثر معنی‌داری بر بازارهای مالی کشورهای گروه منا داشته است.



پاسیوراس و کوسمیدو (۲۰۰۷)<sup>۱</sup>، در مطالعه‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های تجاری داخلی و خارجی اتحادیه اروپا» به بررسی عوامل مؤثر بر سودآوری بانک‌های داخلی و خارجی ۱۵ کشور اتحادیه اروپا در دوره زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۱ در ۵۸۴ بانک تجاری استفاده کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که هم سودآوری بانک‌های داخلی و هم سودآوری بانک‌های خارجی نه تنها تحت تاثیر عوامل داخلی بانک‌ها قرار می‌گیرد بلکه شرایط اقتصادی و ساختار بازارهای مالی نیز بر آن مؤثر است. آن‌ها نشان دادند که همه متغیرهای در نظر گرفته شده بجز درجه تمرکز در بانک‌های داخلی بر سودآوری بانک‌ها مؤثر بوده‌اند؛ اما اثر آن‌ها در بانک‌های داخلی و خارجی یکسان نبوده است.

آکینولا (۲۰۱۲)<sup>۲</sup>، در مطالعه‌ای با عنوان «اثر جهانی‌شدن بر عملکرد در صنعت بانکداری نیجریه» به بررسی عوامل مؤثر بر سود بانک‌های نیجریه پرداختند. نتایج برآورد مدل نشان داد که جهانی‌شدن اثر مثبت و معنی‌داری بر عملکرد بانک‌های کشور نیجریه داشته است. آنان همچنین نتیجه گرفتند که هم در بانک‌های داخلی و هم در بانک‌های خارجی، گسترش صنعت بانکداری باعث افزایش سود این بانک‌ها شده است. آنان همچنین نتیجه گرفتند که جهانی‌شدن اثر معنی‌داری بر ساختار بازار صنعت بانکداری نداشته است.

سوفیان و حبیب اله (۲۰۱۲)<sup>۳</sup>، مطالعه‌ای با عنوان «جهانی‌شدن و عملکرد بانک‌ها در چین» انجام دادند. در این مطالعه به منظور دسترسی به اهداف تحقیق از داده‌های دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ برای ۱۵۳ بانک و روش مبتنی بر داده‌های پانلی استفاده شد. نتایج این مطالعه نشان داد که با در نظر گرفتن اجزای مختلف پدیده جهانی‌شدن، توافقات تجاری، معیارهای فرهنگی و جهانی‌سازی سیاسی اثر مثبت و معنی‌داری بر سودآوری بانک‌های تجاری داشته است. آنان همچنین به دست آوردند که عوامل مربوط به بانک هم می‌تواند اثر معنی‌داری بر سودآوری بانک‌های تجاری داشته باشد.

اندریس و کپرارو (۲۰۱۳)<sup>۴</sup>، به تجزیه و تحلیل تأثیر آزادسازی مالی و اصلاحات بر عملکرد بانکی در ۱۷ کشور اروپای شرقی و مرکزی برای دوره زمانی ۲۰۰۸-۲۰۰۴ با استفاده از یک مدل تجربی دو مرحله‌ای که شامل برآورد عملکرد بانک در اولین مرحله و ارزیابی عوامل مؤثر بر آن در مرحله دوم استفاده کرده‌اند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که بانک‌های کشورهای اروپای شرقی و مرکزی با سطح بالاتری از آزادسازی و باز بودن قادر به افزایش بهره‌وری در هزینه‌ها و در نهایت موفق به ارائه خدمات ارزان‌تر به مشتریان شده‌اند. بانک‌ها از کشورهای غیر عضو اتحادیه اروپا هستند که هزینه بازدهی آن‌ها کم بود اما رشد بهره‌وری کل بسیار بالاتر به



1. Pasiouras and Kosmodou (2007).
2. Akinola (2012)
3. Sufiana and Habibullah (2012)
4. Andries and Capraru (2013)

دست آوردند. و بانک‌های بزرگ هزینه بازدهی‌شان نسبت به بانک‌های متوسط و کوچک بیشتر شد، در حالی که بانک‌های کوچک نشان می‌دهد بالاترین رشد از نظر بهره‌وری دارند.

با توجه به مطالعات و تحقیقات انجام شده، تا کنون مطالعه‌ی داخلی که اثر آزادسازی مالی بر عملکرد بانک‌های تجاری را مورد مطالعه قرار دهد مشاهده نشده است. از طرف دیگر در این تحقیق هم عوامل داخلی و هم عوامل خارجی موثر بر عملکرد بانک‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در این تحقیق به منظور دسترسی به اهداف تحقیق، از داده‌های سری زمانی استفاده می‌شود که در مورد این موضوع کمتر مورد استفاده قرار گرفته است.

#### ۴. تصریح و برآورد مدل

##### ۴-۱. تصریح مدل و روش تحقیق

در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش داده‌های سری زمانی سال‌های ۱۳۹۳-۱۳۸۰ به صورت فصلی استفاده می‌شود. مدل موردنظر با توجه به مطالعه پاسیوراس و کوسمیدو (۲۰۰۷) و سوفیا و حبیب اله (۲۰۱۲) و همچنین محدودیت دسترسی به اطلاعات، در زیر آورده شده است:

$$ROA_t = \alpha_0 + \alpha_1 LOFUND_t + \alpha_2 LPF_t + \alpha_3 SIZE_t + \alpha_4 GDPR_t + \alpha_5 INF_t + \alpha_6 MON_t + \alpha_7 IBL_t + \alpha_8 OPEN_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

در این مدل ROA: عملکرد بانک‌های تجاری، LOFUND: میزان وام پرداختی بانک‌های تجاری، LPF: نسبت مطالبات به کل وام‌ها، SIZE: اندازه بانک، IBE: آزادسازی مالی، OPEN: آزادسازی تجاری، INF: نرخ تورم، GDP: رشد اقتصادی و MON: حجم نقدینگی است.

متغیر نسبت سود به کل دارایی‌های بانک‌های تجاری به‌عنوان متغیر عملکرد بانک‌های تجاری، متغیر دارایی بانک به‌عنوان معیاری از اندازه بانک، متغیر تولید ناخالص داخلی حقیقی به قیمت ثابت ۱۳۸۳ به‌عنوان متغیر رشد اقتصادی، متغیر نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی به‌عنوان متغیر آزادسازی مالی، متغیر آزادسازی تجاری از مجموع ارزش صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است. قبل از برآورد مدل لازم است ابتدا نسبت به پایا و ناپایا بودن سری‌های زمانی مورد استفاده در مدل با استفاده از روش دیکی-فولر تعمیم یافته اطمینان حاصل شود. در این تحقیق آزمون دیکی-فولر در حالتی که در آن مدل دارای عرض از مبدأ و بدون روند است و همچنین، در حالتی که در آن مدل دارای عرض از مبدأ و روند است، انجام خواهد شد. همچنین، برای بررسی رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل از روش هم‌جمعی یوهانسون استفاده خواهد شد. بعد از تعیین روابط بلندمدت به تعیین روابط کوتاه‌مدت بین متغیرها، از آزمون تصحیح خطای برداری استفاده خواهد شد.





۴-۲. آزمون ریشه واحد<sup>۱</sup>

آزمون ریشه واحد یکی از معمول‌ترین آزمون‌هایی است که برای تشخیص پایا بودن یک فرایند سری زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد برای این منظور از آزمون دیکی-فولر تعمیم‌یافته برای کلیه متغیرها طی دوره ۱۳۸۰:۱-۱۳۹۳:۴ استفاده شده است که فرضیه صفر  $H_0: |\rho| = 1$  (وجود ریشه واحد)، در مقابل فرضیه  $H_A: |\rho| < 1$  (عدم وجود ریشه واحد)، آزمون می‌شود اگر قدر مطلق آماره دیکی-فولر تعمیم‌یافته محاسباتی از مقدار بحرانی جدول بزرگ‌تر باشد، فرضیه صفر رد شده و متغیر پایا است در غیر این صورت متغیر در سطح ناپایا است و بایستی آزمون پایایی بر روی تفاضل مرتبه اول متغیر صورت گیرد. جداول (۱) و (۲) نتایج حاصل از آزمون پایایی متغیرها را با استفاده از روش دیکی-فولر تعمیم‌یافته نشان می‌دهند.

قدر مطلق آماره آزمون متغیرها کمتر از قدر مطلق مقدار بحرانی است پس فرضیه صفر وجود ریشه واحد یا ناپایایی متغیرها در سطح ۵ درصد نمی‌توان رد کرد. جدول (۲) نشان می‌دهد متغیرها در سطح پایا نبوده‌اند، با تفاضل‌گیری مرتبه اول از این متغیرها پایا شده‌اند.

## ۴-۳. آزمون شکست ساختاری (پرون)

با توجه به انتقادهای پرون از روش آزمون ریشه واحد دیکی فولر، در زمانی که شکست ساختاری در سری‌های زمانی وجود دارد، بررسی شکست ساختاری و آزمون ریشه واحد پرون ضروری است. وجود شکست ساختاری با توجه به تحولات اقتصادی ایران، در اوایل انقلاب و با توجه به تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تغییرات شگرف که در متغیرهای اقتصاد کلان کشور ایجاد نمود قابل دفاع است. در این شرایط نتایج آزمون‌های ریشه واحد دیکی فولر تردید آمیز بوده و برای اطمینان کامل از ناپایایی متغیرها ضروری است که از آزمون پرون نیز استفاده شود. بنابراین در سال‌هایی که شکست ساختاری رخ داده، می‌تواند در عرض از مبدأ تابع روند، شیب تابع روند و یا هم عرض از مبدأ و هم شیب تابع روند تغییر ایجاد نماید. برای انجام آزمون شکست ساختاری از آزمون پرون<sup>۲</sup> استفاده شده است. وضعیت متغیرها این امکان را فراهم می‌کند که بتوان به تغییر در هر یک از حالات ممکنه پی برد در صورتی که قدر مطلق  $t_{\hat{\rho}}$  محاسباتی از  $t_{\hat{\rho}}$  جدول بیشتر باشد آنگاه شکست ساختاری، علت ناپایایی متغیر مورد بررسی است. برای انجام این آزمون برای متغیرهای عملکرد بانک‌های تجاری، حجم نقدینگی، آزادسازی تجاری، تولید ناخالص داخلی واقعی و نرخ تورم نقطه شکست سال ۹۱ و متغیر وام پرداختی، نسبت مطالبات به کل وام‌ها، اندازه بانک و آزادسازی مالی نقطه شکست سال ۸۸ در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از انجام آزمون شکست ساختاری که موجب تغییر در عرض از مبدأ تابع روند می‌شود در جدول (۳) آمده



است. با توجه به کوچک‌تر بودن قدر مطلق  $t_{\hat{\rho}}$  محاسباتی از  $t_{\hat{\rho}}$  جدول می‌توان بیان کرد که شکست ساختاری، علت ناپایایی متغیرها نبوده است و تمامی متغیرها ناپایا در حالت عرض از مبدأ تابع روند هستند. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد را نمی‌توان رد کرد.

#### ۴-۴. روش برآورد ضرایب مدل

چون همه متغیرها از یک درجه جمعی  $I(1)$  برخوردار هستند روش مناسب برای تخمین روش همجمعی یوهانسون است.

#### ۴-۴-۱. تعیین وقفه بهینه

تحلیل‌های هم جمعی به روش یوهانسون، مستلزم تعیین طول وقفه‌ی بهینه در الگوی VAR است. تخمین‌های روابط بلندمدت به طول وقفه‌ی انتخاب‌شده برای VAR خیلی حساس هستند. وقفه‌ها را نباید بیش از حد بزرگ انتخاب کرد. وقفه باید به اندازه‌ای انتخاب شود که مشکل همبستگی پیایی وجود نداشته باشد (نوفرستی، ۱۳۷۸). برای تعیین طول وقفه از معیار شوراتز-بیزین<sup>۱</sup>، آکائیک<sup>۲</sup>، خطای نهایی پیش‌بینی<sup>۳</sup> و حنان کوئین<sup>۴</sup> و نسبت درست‌نمایی<sup>۵</sup> استفاده شده است. نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که در مدل مورد نظر بر اساس معیار شوراتز-بیزین وقفه ۱ را به‌عنوان وقفه بهینه مدل قرار می‌دهند. در نهایت با توجه به این که ثبات سیستم در وقفه بهینه یک تأمین خواهد شد، وقفه بهینه یک به‌عنوان وقفه بهینه مدل انتخاب می‌گردد.

#### ۴-۴-۲. آزمون فروض کلاسیک

آماره‌های آزمون تشخیص و فرم ساختاری مدل، نشان دهنده تأمین فروض کلاسیک و عدم وجود شکست ساختاری است.

نتایج به‌دست آمده از جدول (۵) نشان می‌دهد که مدل هیچ گونه مشکلی از لحاظ فروض کلاسیک ندارد. یعنی خود همبستگی بین اجزای اخلاص وجود نداشته، فرم تابعی مدل به خوبی تصریح شده، توزیع اجزای اخلاص نرمال بوده و مشکل واریانس ناهمسانی وجود ندارد.

- 
1. Schwarz information criterion
  2. Akaike information criterion
  3. Final prediction error
  4. Hannan-Quinn information criterion
  5. LikeLihood Ratio



۴-۴-۳. آزمون هم‌جمع‌ی یوهانسون<sup>۱</sup>

در این بخش به تعیین تعداد بردارهای هم‌جمع‌ی پرداخته می‌شود. پس از تعیین مرتبه هم‌جمع‌ی متغیرها، اولین قدم در روش یوهانسون، تعیین تعداد وقفه‌های بهینه مدل VAR است، که در بالا انجام شد و وقفه یک به عنوان وقفه بهینه مدل VAR انتخاب گردید. گام بعدی، انتخاب رتبه ماتریس اثر و لزوم وارد کردن عرض از مبدأ و روند در بردار بلندمدت است که طبق پیشنهاد یوهانسون، این اعمال باید به صورت هم‌زمان صورت گیرد. اگر تعداد متغیرهای موجود در بردار بلندمدت، برابر  $n$  باشد، حداکثر تعداد  $(n-1)$  بردار هم جمع می‌توان به دست آورد. در نتیجه با وجود دو متغیر تنها یک بردار هم جمع می‌تواند وجود داشته باشد که از طریق آزمون‌های حداکثر مقادیر ویژه و آزمون اثر به دست می‌آید (نوفرستی، ۱۳۷۸). بر این اساس نتایج جدول (۶)، در الگوی پنجم، کمیت آماره حداکثر مقدار ویژه،  $\lambda_{max} = ۳۶/۷۳$  است که از مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد کوچک‌تر است و کمیت آماره اثر،  $\lambda_{trace} = ۱۸۷/۷۳$  است که از مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد کوچک‌تر است بنابراین فرضیه صفر در الگوی پنجم پذیرفته شده و آزمون هم جمع‌ی با الگوی مذکور انجام می‌گیرد. بر اساس نتایج جدول می‌توان وجود صفر  $(r=0)$  بردار هم جمع‌ی را برای آزمون اثر و وجود یک  $(r=1)$  بردار هم‌جمع‌ی برای آزمون حداکثر مقادیر ویژه پذیرفت. الگوی مذکور وجود یک بردار هم جمع را تأیید می‌کند  $(r=1)$  زیرا کمیت آماره از مقادیر بحرانی در سطح ۵ درصد کوچک‌تر است.

از آنجا که هدف، بررسی اثر آزادسازی مالی بر عملکرد بانک‌های تجاری است، بنابراین عمل نرمال کردن بر روی بردار به دست آمده بر اساس عملکرد بانک‌های تجاری انجام می‌شود. بردار هم جمع‌ی نرمال شده در جدول شماره (۷) آمده است. این بردار نشان‌دهنده رابطه تعادلی بلندمدتی است که بین متغیرهای الگو برقرار است. علامت ضرایب محاسبه شده با توجه به میانی نظری و مطالعات تجربی انتظار ما را در تخمین روابط بلندمدت برآورده می‌کنند. از تقسیم ضرایب متغیرها بر انحراف معیار، مقادیر آماره  $t$  به دست می‌آید که معنادار بودن ضرایب متغیرها را در سطح ۵ درصد نشان می‌دهد. محاسبه آماره  $t$  نشان می‌دهد کلیه ضرایب محاسبه شده در این سطح معنا دارند.

بر اساس نتایج جدول شماره (۷)، می‌توان مدل (۲) را که نشان‌دهنده رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها است، به شکل زیر نشان داد:

$$LROA = 0.99LOFUND - 0.51LLPF - 0.94LSIZE + 0.13LIBE + 0.87LOPEN + (۲) \\ 0.28LMON + 1.65LGDP - 0.08LINF$$

بر اساس مدل برآورد شده می‌توان نتایج اقتصادی زیر را تفسیر نمود:



در بلندمدت متغیر میزان وام پرداختی بانک، تأثیر مثبت بر عملکرد بانک‌های تجاری دارد. در بلندمدت با افزایش یک درصد در میزان وام پرداختی بانک در بلندمدت با فرض ثابت بودن سایر عوامل، عملکرد بانک‌های تجاری ۰/۹۹ درصد افزایش پیدا می‌کند.

در بلندمدت متغیر نسبت مطالبات به کل وام‌ها، تأثیر منفی بر عملکرد بانک‌های تجاری دارد. در بلندمدت با افزایش یک درصد در نسبت مطالبات به کل وام‌ها در بلندمدت با فرض ثابت بودن سایر عوامل، عملکرد بانک‌های تجاری ۰/۵۱ درصد کاهش پیدا می‌کند. با عدم بازگشت تسهیلات اعطایی، قدرت تسهیلات دهی و در نتیجه سودآوری آن‌ها به شدت کاهش یافته و این امر با توجه به عدم امکان افزایش سرمایه به لحاظ حجم پایین سودآوری، موجب کاهش هر چه بیشتر توان تسهیلات دهی بانک می‌شود و عملکرد بانک را کاهش می‌دهد. در بلندمدت متغیر اندازه بانک، تأثیر منفی بر عملکرد بانک‌های تجاری دارد. در بلندمدت با افزایش یک درصد در اندازه بانک در بلندمدت با فرض ثابت بودن سایر عوامل، عملکرد بانک‌های تجاری ۰/۹۴ درصد کاهش پیدا می‌کند.

در بلندمدت متغیر آزادسازی مالی، تأثیر مثبت بر عملکرد بانک‌های تجاری دارد. در بلندمدت با افزایش یک درصد در آزادسازی مالی در بلندمدت با فرض ثابت بودن سایر عوامل، عملکرد بانک‌های تجاری ۰/۱۳ درصد افزایش پیدا می‌کند.

در بلندمدت متغیر آزادسازی تجاری، تأثیر مثبت بر عملکرد بانک‌های تجاری دارد. در بلندمدت با افزایش یک درصد در آزادسازی تجاری در بلندمدت با فرض ثابت بودن سایر عوامل، عملکرد بانک‌های تجاری ۰/۸۷ درصد افزایش پیدا می‌کند. بنا بر نتایج به دست آمده سهم آزادسازی مالی در عملکرد بانک‌ها در حالت کلی و همچنین در مقایسه با آزادسازی تجاری کم است. بدین ترتیب، می‌توان چنین استنباط نمود که افزایش سطح تجارت و همچنین آزادسازی تجاری در اقتصاد ایران موجب افزایش سطح عملکرد بانک‌ها و رشد اقتصادی می‌شود. اما آزادسازی مالی نمی‌تواند تأثیر مشابه داشته باشد و باید با احتیاط کامل پس از فراهم شدن پیش‌نیازها و آمادگی اقتصاد اتخاذ شود.

در بلندمدت متغیر حجم نقدینگی، تأثیر مثبت بر عملکرد بانک‌های تجاری دارد. در بلندمدت با افزایش یک درصد در حجم نقدینگی در بلندمدت با فرض ثابت بودن سایر عوامل، عملکرد بانک‌های تجاری ۰/۲۸ درصد افزایش پیدا می‌کند. نقدینگی باید طوری مدیریت گردد که همیشه به اندازه کافی موجود باشد، چراکه کمبود آن بانک را با خطر عدم توانایی در ایفای تعهدات و در نتیجه ورشکستگی مواجه می‌کند و عملکرد بانک کاهش می‌یابد.

در بلندمدت متغیر رشد اقتصادی، تأثیر مثبت بر عملکرد بانک‌های تجاری دارد. در بلندمدت با افزایش یک درصد در رشد اقتصادی در بلندمدت با فرض ثابت بودن سایر عوامل، عملکرد بانک‌های تجاری ۱/۶۵ درصد افزایش پیدا می‌کند. افزایش GDP و توسعه اقتصادی منجر به ایجاد شغل و کاهش بیکاری می‌گردد و در نتیجه



منجر به افزایش پس‌انداز بانک‌ها می‌گردد. کسب‌وکارها از بانک‌هایی که سود خود را بیشتر از حاشیه درآمد خالص افزایش داده‌اند، وام می‌گیرند. پس انتظار می‌رود که در کشورهای با GDP بالا، بیکاری کاهش یابد و نتیجه آن قرض‌گیری بالا و نرخ معوق پایین‌تر منجر به عملکرد بالای بانک‌ها گردد که نتایج تحقیق نیز بیانگر آن است که افزایش GDP منجر به افزایش معیارهای سودآوری گردیده است. زیرا در دوران رونق، بانک‌ها با سهولت بیشتری می‌توانند سرمایه لازم را از طریق بازارهای مالی فراهم کنند و در نتیجه از توان بیشتری برای مقابله با ریسک‌های احتمالی برخوردار خواهند بود.

در بلندمدت متغیر نرخ تورم، تأثیر منفی بر عملکرد بانک‌های تجاری دارد. در بلندمدت با افزایش یک درصد در نرخ تورم در بلندمدت با فرض ثابت بودن سایر عوامل، عملکرد بانک‌های تجاری ۰/۰۸ درصد کاهش پیدا می‌کند. بنابراین یکی از دلایل مهم نرخ تورم بالا در ایران، کسری‌های مدام و طولانی بودجه و هم‌چنین وابستگی دولت به بانک مرکزی است که استقراض از بانک مرکزی به نوبه خود به یک‌راه اصلی و قابل ملاحظه‌ای برای تأمین مالی کسری بودجه دولت مبدل شده است که خود رشد نقدینگی را تشدید کرده و تأثیر انبساطی فراوانی بر تقاضای کل و سطح عمومی قیمت‌ها به جا گذاشته است. در نتیجه با توجه به ریشه‌های تورم در ایران، نتایج این تحقیق با آن دسته از مدل‌هایی که رفتار دولت را بر عملکرد بازارهای مالی از طریق ایجاد یا تشدید تورم مؤثر می‌دانند، سازگار است.

#### ۴-۴-۴. الگوی تصحیح خطای برداری

نتایج حاصل از برآورد مدل تصحیح خطای برداری که به‌منظور بررسی نقش روابط تعادلی و بلندمدت متغیرها در تعدیل نوسانات کوتاه‌مدت و بررسی رفتار دینامیکی کوتاه‌مدت متغیرهای تحت بررسی انجام شده، در جدول شماره (۸) آمده است.

بر اساس نتایج جدول شماره (۸)، می‌توان مدل (۳) را که نشان‌دهنده رابطه تعادلی کوتاه‌مدت بین متغیرهاست به شکل زیر نشان داد:

(۳)

$$\begin{aligned} \Delta LROA = & 1.12 + 0.71\Delta LOFUND(-1) - 0.25\Delta LLLPF(-1) - 0.40\Delta LSIZE(-1) \\ & + 0.08\Delta LIBE(-1) - 0.02\Delta LOPEN(-1) + 0.12\Delta LMON(-1) + 0.48\Delta LGDP(-1) \\ & - 0.06\Delta LINIF(-1) - 0.28ECM(-1) \end{aligned}$$

نتایج به‌دست‌آمده از الگوی تصحیح خطای برداری نشان‌دهنده آن است که میزان وام پرداختی، آزادسازی مالی، حجم نقدینگی و رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت دارای تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد بانک‌های تجاری است. نسبت مطالبات به کل وام‌ها، اندازه بانک، آزادسازی تجاری و نرخ تورم در کوتاه‌مدت دارای تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد بانک‌های تجاری دارند. آنچه در مدل تصحیح خطا بیش از همه حائز اهمیت است، ضریب جمله تصحیح است که نشان‌دهنده سرعت تعدیل فرآیند عدم تعادل به سمت تعادل در بلندمدت است. همان‌طور



که در جدول (۸) ملاحظه می‌شود، این ضریب معنی‌دار و دارای علامت منفی است چون ضریب ECM بین صفر و منفی یک قرار دارد و معنی‌دار است، وجود رابطه همجمعی بلندمدت بین متغیرها، از این روش نیز تأیید می‌شود. ضریب تصحیح خطا نشان می‌دهد عملکرد بانک‌های تجاری در هر سال ۰/۲۸ درصد به سمت تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود؛ پس می‌توان انتظار داشت که تأثیر متغیرها در کمتر از ۴ سال مشاهده شود.

### ۵. نتیجه‌گیری

این مطالعه به صورت تجربی به شناسایی اثر آزادسازی مالی بر عملکرد بانک‌های تجاری در ایران با استفاده از داده‌های سری زمانی از ۱۳۸۰:۱ تا ۱۳۹۳:۴ به صورت فصلی پرداخته است. برای برآورد تجربی، این مطالعه از روش همجمعی یوهانسون و الگوی تصحیح خطای برداری استفاده شده است. بر اساس آزمون هم جمعی یوهانسون وجود یک بردار هم جمعی بین این متغیرها تأیید می‌شود. نتایج ضرایب این بردار پس از نرمال کردن، مؤید این مطلب است که:

در بلندمدت متغیرهای میزان وام پرداختی بانک، حجم نقدینگی، رشد اقتصادی، آزادسازی مالی و آزادسازی تجاری تأثیر مثبت بر عملکرد بانک‌های تجاری دارند و متغیرهای نسبت مطالبات به کل وام‌ها، اندازه بانک و نرخ تورم تأثیر منفی بر عملکرد بانک‌های تجاری دارند.

در بلندمدت بین متغیرهای مستقل بانکی، قدرت وام‌دهی می‌تواند بیشترین تأثیر را بر سودآوری بانک‌ها داشته باشد.

نتایج به دست آمده از الگوی تصحیح خطای برداری نشان‌دهنده آن است که میزان وام پرداختی، آزادسازی مالی، حجم نقدینگی و رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت دارای تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد بانک‌های تجاری است. نسبت مطالبات به کل وام‌ها، اندازه بانک، آزادسازی تجاری و نرخ تورم در کوتاه‌مدت دارای تأثیر منفی و معناداری بر عملکرد بانک‌های تجاری دارند. همچنین ضریب تصحیح خطا با درجه اطمینان بالایی معنی‌دار و علامت آن مورد انتظار است؛ که نشان‌دهنده تعدیل در جهت بلندمدت است. ضریب تصحیح خطا نشان می‌دهد عملکرد بانک‌های تجاری در هر سال ۰/۲۸ درصد به سمت تعادل بلندمدت تعدیل می‌شود؛ پس می‌توان انتظار داشت که تأثیر متغیرها در کمتر از ۴ سال مشاهده شود.

راه‌های مختلفی برای اثربخشی آزادسازی مالی بر عملکرد بانک‌ها وجود دارد. اول اینکه، آزادسازی مالی ممکن است سرکوب مالی را در بازارهای مالی از طریق افزایش نرخ بهره در حد تعادلی کاهش دهد. دوم اینکه از میان برداشتن کنترل بر ورود سرمایه باعث می‌شود سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی به سرمایه‌گذاری در



پرتفولیو مختلف، تشویق شوند و بدین ترتیب هزینه سرمایه کاهش و موجودی سرمایه افزایش یابد. سوم اینکه آزادسازی مالی نه تنها می‌تواند باعث افزایش کارایی سیستم مالی از طریق خارج‌سازی سازمان‌های مالی ناکارا و افزایش فشار بر تجدید ساختار مالی شود بلکه می‌تواند نامتقارنی اطلاعات و مخاطره اخلاقی و انتخاب بد را کاهش دهد.



## منابع

- باقری، حسن. (۱۳۸۶). تحلیل عوامل موثر بر سودآوری بانک‌های تجاری (مطالعه موردی: بانک رفاه)، نشریه تحقیقات مالی، ۱: ۲۶-۳.
- خادمی، علی و شیوا زمانلو. (۱۳۹۴). راهکارهای آزادسازی بازارهای مالی در ایران با تاکید بر بازار سرمایه، چهارمین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت و اولین کنفرانس کارآفرینی و نوآوری‌های باز، ۲۴-۱.
- ختایی، محمود و پژمان عابدی فر. (۱۳۷۹). تخمین کارایی فنی صنعت بانکداری در ایران، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۳(۶): ۸۴-۶۳.
- خسروان، سمیرا. (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل عوامل تعیین‌کننده عملکرد سیستم بانکی در ایران در فضای جهانی شدن (مطالعه موردی بانک‌های تخصصی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس.
- دادگر، یداله و روح‌اله نظری. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر جهانی شدن بر اندازه دولت در ایران. فصلنامه پژوهش‌های بازرگانی، ۴۸: ۳۸-۱.
- راستی، محمد. (۱۳۸۷). تاثیر آزادسازی تجارت خدمات مالی بر توسعه مالی در کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت، مدل‌سازی اقتصادی، ۲(۱): ۱۲۶-۱۱۵.
- شریفی رنای، حسین، مریم میرفتارح، حسن ملا اسماعیلی. (۱۳۹۲). تحلیل نقش مؤلفه‌های آزادسازی اقتصادی بر عملکرد بازارهای مالی کشورهای منا، پژوهش‌های پولی و بانکی، ۱۵: ۲۵-۱.
- نوفروستی، محمد. (۱۳۷۸). ریشه واحد و همجمعی در اقتصاد سنجی، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا: تهران.
- Akinola, Grace Oluyemisi, (2012). **Effect of Globalization on Performance in the Nigerian Banking Industry.**, *International Journal of Management and Marketing Research*, 5 :79-94.
- Andries AM, Capraru B, (2013),. **Impact of Financial Liberalization on Banking Sectors Performance from Central and Eastern European Countries.** *PLoS ONE*, 8(3): 1-9.
- Bekaert, G., C. Harvey, and C. Lundblad,(2001). **Does financial liberalization spur growth?**. *NBER working paper* 45: 1-64.
- Baltagi,B., Demetriades, P., Law, S. H, (2007). **Financial Development and Openness: Evidence from panel data.**, *Journal of Development Economics*.





Greenaway, D., Morgan, W,W, Wright, P, (2002) .**Trade Libralization and Growth in Develop Countries.**, *Journal of development Economics*, 67: 229-244.

Levine, R., N. Loayza and T. Beck,(2000) . **Financial Intermediation and Growth: Causalityand Causes.**, *Journal of Monetary Economics* 46: 31-77.

Pasiouras, Fotios; Kosmodou, Kyriaki .(2007). **Factors Influencing the profitability of domestic and foreign commercial banks in the European Union.**, *Research in International Business and Finance*, 21(2) : 222-237.

Sufiana, Fadzlan; and Habibullah, Muzafar Shah, (2012), **.Globalizations and bank performance in China.**, *Research in International Business and Finance*, 26: 221- 239.



**پیوست**

**جدول (۱). نتایج آزمون پایایی متغیرها**

با عرض از مبدأ و روند		با عرض از مبدأ		
نتیجه آزمون	آماره آزمون	نتیجه آزمون	آماره آزمون	نام متغیر
ناپایا	-۲/۰۸	ناپایا	-۱/۰۸	عملکرد بانک
ناپایا	-۱/۸۶	ناپایا	-۱/۶۲	میزان وام پرداختی
ناپایا	-۲/۵۶	ناپایا	-۰/۸۲	نسبت مطالبات به کل وام‌ها
ناپایا	-۱/۸۸	ناپایا	-۱/۵۳	اندازه بانک
ناپایا	-۱/۹۴	ناپایا	-۱/۲۵	آزادسازی مالی
ناپایا	-۱/۷۱	ناپایا	-۱/۹۸	آزادسازی تجاری
ناپایا	-۲/۴۷	ناپایا	-۰/۷۰۸	حجم نقدینگی
ناپایا	-۱/۲۲	ناپایا	-۲/۲۱	نرخ رشد اقتصادی
ناپایا	-۲/۳۲	ناپایا	-۲/۲۶	نرخ تورم
مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد -۳/۴۹		مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد -۲/۹۱		

مأخذ: محاسبات تحقیق

**جدول -۲. نتایج آزمون پایایی متغیرها با تفاضل گیری مرتبه اول**

تفاضل اول با عرض از مبدأ و روند		تفاضل اول با عرض از مبدأ		
نتیجه آزمون	آماره آزمون	نتیجه آزمون	آماره آزمون	نام متغیر
پایا	-۷/۰۸	پایا	-۷/۳۶	عملکرد بانک
پایا	-۶/۸۶	پایا	-۷/۵۷	میزان وام پرداختی
پایا	-۷/۵۶	پایا	-۷/۸۴	نسبت مطالبات به کل وام‌ها
پایا	-۷/۸۸	پایا	-۷/۵۲	اندازه بانک
پایا	-۵/۹۴	پایا	-۶/۱۶	آزادسازی مالی
پایا	-۶/۷۱	پایا	-۷/۴۲	آزادسازی تجاری
پایا	-۴/۴۷	پایا	-۳/۴۹	حجم نقدینگی
پایا	-۵/۲۲	پایا	-۵/۵۶	نرخ رشد اقتصادی
پایا	-۵/۳۲	پایا	-۷/۲۱	نرخ تورم
مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد -۳/۴۹		مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد -۲/۹۱		



جدول-۳. نتایج آزمون شکست ساختاری در حالت تغییر در عرض از مبدأ تابع روند

متغیر	$\lambda$	$\hat{\rho}_t$ محاسباتی	$\hat{\rho}_t$ جدول	نتیجه
عملکرد بانک	۰/۹	-۳/۱۱	-۳/۶۹	ناپایایی
میزان وام پرداختی	۰/۶	-۰/۹۰۳	-۳/۷۶	ناپایایی
نسبت مطالبات به کل وام‌ها	۰/۶	-۲/۴۸	-۳/۷۶	ناپایایی
اندازه بانک	۰/۶	-۰/۸۵۵	-۳/۷۶	ناپایایی
آزادسازی مالی	۰/۶	-۳/۱۷	-۳/۷۶	ناپایایی
آزادسازی تجاری	۰/۹	-۱/۶۱	-۳/۶۹	ناپایایی
حجم نقدینگی	۰/۹	-۱/۸۹	-۳/۶۹	ناپایایی
نرخ رشد اقتصادی	۰/۹	-۱/۴۲	-۳/۶۹	ناپایایی
نرخ تورم	۰/۹	۳/۲۵	-۳/۶۹	ناپایایی

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول-۴. تعیین وقفه بهینه در الگوی VAR

حنان کوئین	شوراتز- بیزین	آکائیک	خطای نهایی پیش‌بینی	نسبت درست‌نمایی	وقفه
-۹/۸۸	-۹/۷۹	-۹/۹۵	e28/3-۱۱	NA	۰
-۲۰/۰۱	*-۱۹/۴۳	-۲۰/۴۰	e51/9-۱۶	۷۱۴/۵۳	۱
-۱۹/۱۸	-۱۸/۱۱	-۱۹/۸۸	e61/1-۱۵	۱۱/۶۴	۲
-۱۸/۵۵	-۱۷/۰۰	-۱۹/۵۷	e25/2-۱۵	۲۱/۹۹	۳
-۲۰/۵۸	-۱۸/۵۵	-۲۱/۹۲	e27/2-۱۶	۱۵۰/۱۵	۴
*-۲۱/۳۰	-۱۸/۷۸	*-۲۲/۹۶	e85/8*-۱۷	*۷۶/۸۸	۵
-۲۰/۴۹	-۱۷/۴۹	-۲۲/۴۷	e66/1-۱۶	۸/۹۳	۶

مأخذ: محاسبات تحقیق



جدول-۵. نتایج آزمون‌های تشخیصی

آماره LM	فرضیه صفر
۱/۶۸۱۰(۰/۱۵۵)	عدم خودهمبستگی سریالی
۰/۵۷۶۱۸(۰/۴۴۸)	عدم وجود فرم تبعی مناسب
۰/۴۵۸۹۲(۰/۷۹۵)	عدم وجود توزیع نرمال
۱/۶۱۸۱(۰/۲۱۸)	عدم ناهمسانی واریانس

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول-۶. تعیین تعداد بردارهای هم جمعی بر اساس آزمون اثر و آزمون حداکثر مقدار ویژه

فرضیه صفر	فرضیه مقابل	آماره آزمون اثر	کمیت بحرانی در سطح ۰.۵٪	آماره آزمون حداکثر مقدار ویژه	کمیت بحرانی در سطح ۰.۵٪
$r=0$	$r=1$	۱۸۷/۷۳	۲۱۵/۱۲	۸۴/۵۴	۶۱/۸۰
$r \leq 1$	$r=2$	۱۲۶/۵۹	۱۷۵/۱۷	۳۶/۷۳	۵۵/۷۲
$r \leq 2$	$r=3$	۱۰۴/۶۹	۱۳۹/۲۷	۳۶/۷۳	۴۹/۵۸
$r \leq 3$	$r=4$	۸۲/۸۰	۱۰۷/۳۴	۳۰/۵۶	۴۳/۴۱
$r \leq 4$	$r=5$	۶۰/۹۰	۷۹/۳۴	۲۴/۲۷	۳۷/۱۶
$r \leq 5$	$r=6$	۴۴/۲۲	۵۵/۲۴	۲۳/۶۲	۳۰/۸۱
$r \leq 6$	$r=7$	۲۷/۸۰	۳۵/۰۱	۱۹/۴۱	۲۴/۲۵
$r \leq 7$	$r=8$	۱۴/۹۶	۱۸/۳۹	۱۳/۹۲	۱۷/۱۴
$r \leq 8$	$r=9$	۱/۰۶	۳/۸۴	۱/۰۶	۳/۸۴

مأخذ: محاسبات تحقیق



جدول-۷. بردار هم جمعی نرمال شده

متغیر	بردار هم جمعی نرمال شده	انحراف معیار	آماره t
عملکرد بانک	۱	-	-
میزان وام پرداختی	۰/۹۹	۰/۲۶۸	۳/۶۹
نسبت مطالبات به کل وام‌ها	-۰/۵۱	۰/۱۰۸	-۴/۷۲
اندازه بانک	-۰/۹۴	۰/۲۳۵	-۴/۰۰
آزادسازی مالی	۰/۱۳	۰/۰۱۶	۸/۱۲
آزادسازی تجاری	۰/۸۷	۰/۱۱۳	۷/۶۹
حجم نقدینگی	۰/۲۸	۰/۰۵۴	۵/۱۸
رشد اقتصادی	۱/۶۵	۰/۵۷۹	۲/۸۴
نرخ تورم	-۰/۰۸	۰/۰۳۰	-۲/۷۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول-۸. نتایج تخمین الگوی تصحیح خطای برداری متغیرهای مدل

متغیر	ضریب	انحراف معیار
عرض از مبدأ	۱/۱۲	۰/۵۳
تفاضل مرتبه اول میزان وام پرداختی	۰/۷۱	۰/۱۵
تفاضل مرتبه اول نسبت مطالبات به کل وام‌ها	-۰/۲۵	۰/۰۹۰
تفاضل مرتبه اول اندازه بانک	-۰/۴۰	۰/۱۹
تفاضل مرتبه اول آزادسازی مالی	۰/۰۸۴	۰/۰۲
تفاضل مرتبه اول آزادسازی تجاری	-۰/۰۲۶	۰/۰۰۸
تفاضل مرتبه اول حجم نقدینگی	۰/۱۲	۰/۰۴
تفاضل مرتبه اول رشد اقتصادی	۰/۴۸	۰/۱۳
تفاضل مرتبه اول نرخ تورم	-۰/۰۶	۰/۰۳
جزء تصحیح خطا ۱	-۰/۲۸	۰/۰۶

مأخذ: محاسبات تحقیق



## **The Effect of Financial Liberalization on Performance of Commercial Banks in Iran**

*Akbar Dehqani, Ali Haqiqat*

**Received:** 15 November 2016      **Accepted:** 14 February 2017

This study investigates the effects of financial liberalization on the performance of commercial banks in Iran using time series data from 2001: 1 to 2014: 4. For empirical estimates, this study is used Johansen-Juselius cointegration and vector error correction model. Results of the Johansen co-integration method shows that, in the long run variables the loans of the Bank, liquidity, economic growth, financial liberalization and trade liberalization has a positive effect on the performance of commercial banks and variables such as the ratio of receivables to total loans, as banks and commercial banks are adversely affecting the rate of inflation. Error correction coefficient also shows that in each period 0.28 percent of imbalance performance commercial banks, modified and is moving towards its long-term trend.

**Keywords:** *commercial banks, financial liberalization, trade liberalization, Johansen co-integration.*